

پیروز باد مبارزه متحد مردم ایران در راه سرنگونی رژیم "ولایت فقیه"!

کارگران به کشور متحد شوید!

دو قطب - صاحبان ثروت و محرومان - عامل گسترش بیعدالتی در جامعه گردیده است. این تضاد که میان دو قطب متضاد در جامعه وجود دارد روز بروز حادتر می‌شود.

این نظام اقتصادی و این تسلط اقتصادی و سیاسی طبقات و اقشار مرفه و استثمارگر را که مانع رشد نیروهای مولده در جامعه است، باید درهم شکست. و عاقبت در هم شکسته خواهد شد.

رژیم "ولایت فقیه" از کلان سرمایه‌داران غارتگر و بزرگ زمینداران حمایت می‌کند و منافع اقلیت کوچک مرفه را بر مصالح اکثریت محروم ترجیح می‌دهد. چنین وضعی در جامعه محصول سیستم سیاسی حاکم بر کشور به رهبری روحانیت است. روحانیون حاکم بعد از پیروزی انقلاب بهمن با سوءاستفاده از باورهای مذهبی توده‌ها و اعلام حمایت از توده محروم با دستیابی به رهبری انحصاری، رژیم استبدادی مذهبی قرون وسطایی را بر کشور حکمفرما ساختند و با ایجاد جو خفقان و ترور در جامعه و سرکوب و نابود ساختن همه احزاب و سازمان‌های مترقی و دموکراتیک در خدمت بقول خمینی تجار محترم و اقلیت محدود کلان سرمایه‌داران بازار و بزرگ زمینداران قرار گرفتند و شرایط را به سود طبقات و اقشار استثمارگر و دزدان ثروت ملی و دسترنج زحمتکشان جامعه فراهم کردند و کشور را در زنجیرهای وابستگی به انحصارهای فراملی و دولت‌های امپریالیستی نگاه داشتند.

اکنون در نتیجه ادامه تحریم‌های مالی و اقتصادی توسط آمریکا از یکسو بحران اجتماعی و اقتصادی در کشور ژرفای بیشتری پیدا کرده است و از جانب دیگر مداخلات نظامی رژیم در عراق و سوریه و تامین هزینه‌های مالی و تسلیحاتی 100 هزار افراد شبه نظامی مزدور در دستجات "حشدالشعبی"، "فاطمیون"، "زینیبون"، "حیدریون" و لشکر جولان که با غارت ثروت ملی کشور و نیز موجودی بانک‌ها و چپاول سرمایه 18 صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی توأم بوده است، کشور را هر چه بیشتر در یک بحران عمومی فرو برده است.

در این رابطه روحانی رئیس جمهور رژیم با اشاره به اینکه هزینه جنگ سوریه را جمهوری اسلامی تامین می‌کند. در عین حال به سیاست ماجراجویانه و نیز عملکرد ضدخلق رژیم حاکم که عملاً در جهت خلاف مصالح مردم ایران است اعتراف می‌کند.

ما در اینجا ماهیت عملکرد رژیم "ولایت فقیه" را در برخورد با معضلات و مشکلات کشور توضیح دادیم. در کشور ما رژیم خودکامه مذهبی قرون وسطایی حاکم است. این رژیم استبدادی مذهبی با ساختار دولتی قرون وسطایی سد عمده و بازدارنده پیشرفت اجتماعی و مانع اصلی رشد نیروهای مولده در کشور است. بنابراین برای حل معضلات حاد اجتماعی و اقتصادی در کشور ما ساختار سیاسی حاکمیت باید دگرگون گردد.



شماره 28 ، 4 بهمن ماه 1396

تحلیل حزب توده ایران از وضع ایران و موضع حزب ما در شرایط کنونی

در این تحلیل بازتاب بحران عمیق اجتماعی و اقتصادی در تشدید نارضایتی توده‌های مردم از رژیم "ولایت فقیه" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در شرایط بغرنج کنونی تضادهای لاینحل و انبار شده در جامعه به درجه‌ای رسیده که توده‌های ناراضی از رژیم برای مبارزه در راه حل این تضادها بپاخاسته‌اند.

در این شرایط حزب توده ایران بعنوان حزب طبقه کارگر باید با ارزیابی تناسب نیروها و در نظر داشت خواست‌های توده‌های مردم در جامعه، شعارهای مرحله‌ای خود را تعیین کند.

ما باید بدانیم در کشورمان چه می‌گذرد و توده‌های ناراضی از رژیم چه می‌گویند و چه می‌خواهند. در شرایط تشدید بحران اقتصادی که با نارضایتی رو به افزایش توده‌های میلیونی از رژیم منجر گردیده است، این تضادها بیش از پیش تشدید خواهد شد و رژیم را با سرعت به پرتگاه سقوط سوق خواهد داد.

در شرایط کنونی علت حاد شدن تضادها را باید در عدم حل معضلات اجتماعی و اقتصادی موجود در کشور جستجو کرد. در این ارتباط عملکرد رژیم "ولایت فقیه" و محصول آن از عوامل عمده تشدید تضادها در جامعه است.

هم اکنون در اثر سیاست داخلی و خارجی رژیم ضد مردمی "ولایت فقیه" و تشدید بحران اجتماعی-اقتصادی توأم با تورم و گرانی و بیکاری، فقر و فلاکت و گرسنگی، ارتشا و فساد، اعتیاد و فحشا در جامعه که تضادهای اجتماعی و تضادهای داخل رژیم را تشدید کرده و کشور را در مرحله بحران عمومی قرار داده است. مردم میهن ما شرایط دشواری را از سر می‌گذرانند.

در چنین شرایطی نظام اقتصادی رژیم "ولایت فقیه" زیر پوشش "اقتصاد اسلامی" با تمرکز ثروت در یک قطب اقلیت کوچک مرفه و فقر و نداری در قطب اکثریت محروم با تقسیم جامعه به

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی بر انداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

ضعف عامل ذهنی در سازمان‌دهی و بسیج توده‌ها نشان می‌دهد. سران رژیم بعثت این ضعف توانسته‌اند به حیات‌شان ادامه دهند.

در مقابل با خواست‌های توده‌های ناراضی از رژیم سیاستی را که حاکمیت کنونی برای نجات رژیم در پیش گرفته است، تشدید ترور و اختناق در جامعه است. ولی رژیم حاکم قادر به ایستادگی در مقابل اراده مردم بی‌خاسته نیست. در کشوری که میلیون‌ها انسان بیکارند فقر و گرسنگی و بی‌خانمانی و فساد گسترده جامعه را فرا گرفته و در اثر تحریم‌های مالی و اقتصادی شیرازه اقتصادی کشور از هم پاشیده است. رژیم چگونه می‌تواند خواست‌های توده‌های مردم را تحقق بخشد و میلیون‌ها انسان را از فقر و فلاکت و بدبختی نجات دهد. برای حل این مسائل حاد و برون‌رفت از آن دو جناح عمده در هرم حاکمیت که به جناح "اصلاح‌طلب- کارگزار" و "اصول‌گرایان" مشهورند هیچ برنامه‌ای ندارند.

اکنون جدایی توده‌ها از رژیم به مرحله‌ای رسیده است که دیگر عناصر اصلاح‌طلب در جناح حاکمیت نمی‌تواند با روش "شریک دزد و رفیق قافله" در اوضاع و احوال سیاسی کنونی به ترفند خود ادامه دهد و در عین حال به رژیم استبدادی "ولایت فقیه" و روحانیون حاکم خدمت کند.

رویدادهای اخیر و مبارزه توده‌ها علیه روحانیون حاکم ماهیت اصلاح‌طلبان را بعنوان حامیان رژیم "ولایت فقیه" که به اصل متحجر "ولایت فقیه" دلبسته می‌باشند، در میان اقشار بینابینی شهری و دانشجویان شناساند. اکنون وضع حاکم در کشور نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان با وعده اصلاحات در چارچوب رژیم حاکم سلطه روحانیون حاکم را تداوم بخشید.

عناصر مرتجع که به انقلاب و توده‌های مردم خیانت کردند سرنوشت‌شان با سرنوشت رژیم منحوس و فاسد "ولایت فقیه" آمیخته است.

در شرایط کنونی سیر رویدادها در عرصه بین‌المللی به زیان رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" است که در عین حال به انزوای رژیم حاکم در جهان منجر گردیده است.

در شرایط کنونی بازتاب تحریم‌های مالی و اقتصادی رژیم را می‌توان در سیاست خارجی آن بویژه در اتخاذ سیاست گرایش بسوی روسیه مشاهده کرد. در حال حاضر سیاست خارجی رژیم "ولایت فقیه" در جهت همکاری با سیاست محافل الیگارش‌ی مالی حاکم روسیه، در جهت سیادت اقتصادی و سیاسی مثنی سرمایه-دار بزرگ تازه به دوران رسیده در روسیه است که پس از فروپاشی اتحاد شوروی عملاً مالک موسسات بزرگ صنعتی و مالی شده‌اند.

(الیگارش‌ی مالی، یعنی: سیادت اقتصادی و سیاسی گروه معدودی از سرمایه‌داران بزرگ مالی است که عملاً مالک انحصارات صنعتی و بانکی بوده و در دست‌های خود نظارت بر شاخه‌های

لذا شرط نخست نوسازی جامعه برای تامین رشد اجتماعی و اقتصادی، پایان دادن به سلطه حاکمیت روحانیت در راس آن "ولایت فقیه" ضرور می‌باشد. زیرا فقط با پایان دادن به سیطره "ولایت فقیه" می‌توان تضاد اصلی جامعه را حل کرد و به خروج ایران از بن‌بست کنونی و ایجاد یک تحول بنیادی در اوضاع سیاسی-اجتماعی ایران اقدام کرد.

رویدادهای کشور و چگونگی سیر آتی آن

رژیم حاکم در اثر بحران عمیق اقتصادی-اجتماعی دچار فروپاشی است. جلوگیری از فروپاشی به علت تعمیق وابستگی کشور به انحصارهای فرامیلتی که محصول خیانت سران مرتجع رژیم به کشور و مردم ماست، ناممکن است. در شرایط کنونی ادامه تحریم‌های مالی و اقتصادی و نیز عدم دریافت‌های ارزی از محل درآمد کالاهای صادراتی بویژه نفت و گاز، کشور را با مشکلات اقتصادی و اجتماعی روبرو ساخته است. جناح‌های حاکم در رژیم "ولایت فقیه" برای برون رفت از بحران اجتماعی و اقتصادی فاقد برنامه می‌باشند. تا زمانی که کشور در سیطره "ولایت فقیه" قرار دارد. راه خروج از بحران امکان ندارد و بدینسان بحران و بن‌بستی که رژیم با آن روبروست روزبروز حادتر می‌شود و فقر و فلاکت و بدبختی و بیکاری و گرسنگی در جامعه هر چه بیشتر دامنگیر توده‌های محروم جامعه می‌شود. رژیم "ولایت فقیه" عامل اصلی بوجود آمدن معضلات و مشکلات در کشور ماست. در واقع می‌توان گفت ادامه بحران در کشور رژیم را از درون منفجر خواهد ساخت. ما، اکنون شاهد بروز چنین وضعی می‌باشیم.

در حال حاضر مبارزه‌های حاد در جامعه میان توده‌های مردم با رژیم ارتجاعی در جریان است. مردم میهن ما با تجربه شخصی خود به ماهیت ارتجاعی و ضدخلفی رژیم پی برده‌اند و از آن روی گردان شده‌اند. اخیراً، در ارتباط با تشدید بحران عمومی در کشور جنبش اعتراضی علیه رژیم حاکم اوج گرفت. در این مبارزه اجتماعی خواست‌های توده‌ها و نیز مضمون شعارهای مطرح شده در جامعه، نشان می‌دهد که خواست عمومی توده‌های مردم پایان دادن به حاکمیت اقلیت کوچک روحانیون در راس آن "ولایت فقیه" است. که مقصر اصلی این وضع فلاکت‌بار در کشور می‌باشند.

در شرایط اوج‌گیری جنبش وسیع توده‌ها در کشور از آنجا که جنبش توده‌ها فاقد برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و رهبری واحد بود، نتوانست به موج پرقدرتی در براندازی رژیم تبدیل گردد. بنابراین با توجه به ضعف عامل ذهنی جنبش، ضرورت اتحاد و وحدت عمل نیروهای هوادار آزادی و دموکراسی در جبهه ضد دیکتاتوری بمثابه عامل ذهنی در براندازی رژیم اهمیت حیاتی دارد.

بگفته شاعر خلقی میهن ما، سیاوش کسرایی: "وای اگر غول بدست آرد سر"

هدایت کند، بویژه اینکه شرایط عینی برای افشاگری در جامعه وجود دارد و می‌توان گروه زیادی را وارد عرصه مبارزه سیاسی علیه رژیم کرد.

با توجه به آنچه که گفته شد و نیز با در نظر گرفتن تضادهای آشتی‌ناپذیر اجتماعی و طبقاتی، که نتیجه سیاست ضد خلقی رژیم استبدادی قرون وسطایی در جامعه است، باید گفت، "پائینی‌ها" دیگر حاضر به زندگی در شرایط موجود - فقر و فلاکت و بیکاری و بی‌خانمانی - نیستند و "بالایی‌ها" هم نمی‌توانند به خواست آنها پاسخ گویند و زندگی کم و بیش مرفهی برای میلیونها انسان فراهم آورند. در نتیجه جامعه در بحران ساختاری بسر می‌برد و رژیم نخواهد توانست معضلات و مشکلات عظیم اجتماعی- اقتصادی را که در برابر کشور و مردم قرار دارد حل کند. بنابراین راه نجات ایران از بحران و واپس‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی سرنگون کردن رژیم "ولایت فقیه" است. برای رسیدن به این هدف مبارزه متحد همه مبارزان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در شرایط کنونی که توده‌های مردم از رژیم حاکم ناراضی هستند و سرنگونی آن را خواستارند، اتحاد عمل نیروهای هوادار آزادی و دموکراسی و همه میهن‌پرستان در جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی بر انداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

چنانکه گفتیم مردم میهن ما در شرایط ادامه تحریم‌های مالی و اقتصادی، شرایط دشواری را از سر می‌گذرانند. در آینده با عدم تائید توافق هسته‌ای ژنو معروف به "برجام" از جانب آمریکا وضع دشوارتر می‌شود و کشور و مردم میهن ما وارد مرحله دشوار و حساسی می‌شوند.

حزب توده ایران امیدوار است در شرایط حساس تاریخی میهن ما که ارتجاع زیر فشار توده‌ها و افسس‌هایش را می‌کشد، سازمان‌ها و نیروهای پیگیر راه آزادی و دموکراسی با تحکیم اتحاد و وحدت عمل جبهه ضد دیکتاتوری را در برابر رژیم ارتجاعی و عمال امپریالیسم بوجود آورند. تنها و تنها اتحاد و وحدت عمل نیروهای هوادار آزادی و دموکراسی راه را برای پیروزی بر ارتجاع حاکم و نیز عقیم ساختن توطئه امپریالیسم آمریکا در کشور ما هموار خواهد کرد.

با امید به آینده برای دستیابی به آزادی و دموکراسی در میهن بلا کشیده ما.

اساسی اقتصاد را متمرکز ساخته‌اند - وژنامه سیاسی و اجتماعی، امیر نیک‌آئین، انتشارات حزب توده ایران)

اکنون بموازات اتخاذ سیاست گرایش بسوی روسیه، رژیم حاکم در کشور ما روزانه یکصد هزار بشکه نفت خام به روسیه صادر می‌کند و در قبال آن تسلیحات نظامی از روسیه دریافت می‌دارد.

در این شرایط هدف دولت روسیه تامین منافع اقتصادی و سیاسی خود و از جمله دستیابی به بازار عظیم ایران برای فروش فرآورده‌های صنعتی خود و نیز دستیابی به مواد خام کشور ما است.

در این راستا محافل حاکم روسیه با پیروی از روش اسلاف خود در زمان روسیه تزاری که در انقلاب مشروطه ایران علیه آزادیخواهان ایران و به دار آویختن مبارزان راه آزادی و طرد استبداد و استعمار از دربار فاسد و مستبد قاجار و روحانیون قشری همدست دربار حمایت می‌کردند و با به توپ بستن مجلس و کودتای ضد انقلابی عملاً در مقابل توده‌های مردم قرار گرفتند. اکنون می‌بینیم دارودسته مافیا حاکم در روسیه زیر پرچم روسیه تزاری در زمره حمایت‌کننده رژیم خودکامه مذهبی قرون وسطایی در کشور ماست و می‌کوشد برای تامین منافع خود سیادت خود را در کشور ما تحکیم نماید.

حزب توده ایران سیاست ارتجاع حاکم در ایران را که در جهت همکاری با سیاست محافل حاکم روسیه است خلاف مصالح مردم ایران ارزیابی می‌کند.

ما در این زمینه به وظیفه میهنی خویش در قبال میهن و مردمان عمل کرده و می‌کنیم. کشور ما نباید به جولان‌گاه رقابت از سوی امپریالیسم و دولت روسیه مبدل شود.

در رابطه با نقش روشنگری علیه رژیم حاکم باید اشاره کنیم. در مبارزه اجتماعی که در جامعه جریان دارد. ما باید از کاربرد کامپیوتر از طریق شبکه اینترنت که یک امکان موثر در مبارزه علیه رژیم است و نقش مهمی در افشاء رژیم دارد، استفاده کنیم و با پیروی از گفته‌ی ای.لنین در اثر مشهور "چه باید کرد" که خاطر نشان ساخت: باید با افشاگری‌های سیاسی رژیم خصم را در بی‌ثباتی دائم نگاه داشت. در این زمینه با بهره‌گیری از امکان موجود اینترنت در افشاء سیاست ضد خلقی رژیم می‌توان خط مشی سیاسی حزب و شعارهای آن را در میان مردم تبلیغ کرد. البته باید گفت این کار شامل مبارزان حزب که در داخل کشور هستند نمی‌شود. در این شرایط باید در پی اشکال و شیوه‌های مبارزه و بکارگیری روش‌هایی بود که بتواند جنبش را به پیش